

به نام بحران، به کام صنعت!

گفت‌وگو با مهدی آگاه

اگر بحران آب داریم - که داریم - چرا تنها خواستار توقف کشاورزی هستیم. آیا راهکار مقابله با بحران آب این است که فقط بگوییم کشاورزی را تعطیل کنیم. چرا به صنعت توجه نمی‌کنیم؟ چه کسی گفته کشاورزی صرفه ندارد، اما صنعت دارد. تا زمانی که ما قیمت آب و انرژی را در کشور واقعی نکنیم، غیرممکن است بتوانیم متوجه شویم که چه کاری صرفه اقتصادی دارد و چه کاری ندارد.

بحران آب یک دغدغه جدی است. دغدغه‌ای که هم دامن تأمین آب مورد نیاز در بخش شرب را گرفته هم صنعت و هم کشاورزی را. در این میان اما مسئله کشاورزی همواره با انتقاد بیشتری مواجه بوده، چرا که آمارهایی که منتشر می‌شود می‌گوید حدود ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود، اما کشاورزی آب را به هدر می‌دهد و بهره‌وری لازم را ندارد. رئیس خانه کشاورز گفته کشاورزی با پول نفت دیگر جای کار ندارد و هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است.

آگاه: بگذارید گفت‌وگورا با بررسی سخنان آقای کلانتری آغاز کنیم، چون من با بخشی از این سخنان مخالفم و می‌خواهم چند نقد کلی به آن وارد کنم. ایشان مسئله توقف تولید برخی از محصولات کشاورزی به دلیل کمبود آب را مطرح می‌کند و می‌گوید هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است؛ اما آیا این مسئله محدود به محصولات کشاورزی است؟ اگر بخواهیم از این منظر به بخش کشاورزی نگاه کنیم، باید بگوییم که همه

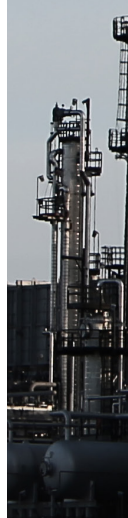
صنایع بزرگ ما در داخل کشور ورشکسته‌اند. این صنایع یا با عدم محاسبه هزینه واقعی استهلاک، یا در پناه دیوار بلند تعرفه‌های گمرک وارداتی یا با دریافت یارانه‌های پنهان انرژی و آب توانسته‌اند تاکنون سرپا بمانند. شرکت هواپیمای ملی ایران از گروه اول است که نمی‌تواند ناوگان خود را از محل ذخیره‌های استهلاک بازسازی کند. شرکت ایران خودرو از گروه دوم است که حیات خود را عمدتاً مرهون تعرفه‌های سهمگین وارداتی است. صنایع فولاد، پتروشیمی و ذوب مس در گروه سوم قرار می‌گیرند که چنانچه قیمت‌های بین‌المللی انرژی حاکم می‌شد ادامه حیاتشان غیرممکن بود.

نکته دیگر اینکه آیا آقای کلانتری می‌خواهد با تعطیل کردن کشاورزی، آب مصرفی این بخش را به صنعت بدهد؟ یعنی آب را از یک بخش که به گفته ایشان صرفه اقتصادی ندارد بگیریم و به بخش دیگری بدهیم که قطعاً ورشکسته‌اند؟ این شرکت‌های ورشکسته چگونه می‌توانند جانشین بخش کشاورزی ما بشوند؟ وضعیت ما در بخش صنعت به مراتب از بخش کشاورزی بدتر است. ظاهراً بهترین و پرسودترین صنعت در ایران، تولید فولاد است. این صنعت و کارخانه‌های تولیدکننده فولاد بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان یارانه انرژی در کشورند. یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های این صنعت، در سال ۹۲ حدود یک میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار یارانه پنهان انرژی از دولت دریافت کرده است. منابع انرژی آبشخور برخی از صنایع خاص شده است. انرژی را با قیمت‌های واهی و بسیار بسیار اندک به بخش صنعت می‌دهند. می‌خواهید چنین صنایعی با این حجم از یارانه سودآور نباشند! اما در

»

«ظاهراً بهترین و پرسودترین صنعت در ایران، تولید فولاد است. این صنعت و کارخانه‌های تولیدکننده فولاد بزرگ‌ترین دریافت‌کنندگان یارانه انرژی در کشورند. یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های این صنعت، در سال ۹۲ حدود یک میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار یارانه پنهان انرژی از دولت دریافت کرده است.»

۶۶



مقابل بخش کشاورزی ما انرژی بسیار اندکی مصرف می‌کند و در نتیجه یارانه انرژی که می‌گیرد بسیار کم است. مثلاً در کاشت گندم چنانچه نرخ برق برای مصارف صنعتی و کشاورزی یکنواخت شود حدود چهار درصد به هزینه‌های تولید اضافه می‌شود؛ اما این یارانه‌ها در بخش صنعت ۲۰ تا ۵۰ درصد هزینه تولید است. ما تمام هم‌و‌غم و توان خود را صرف تولید فولاد، مس و سیمان کرده‌ایم؛ اما یارانه‌های پنهان انرژی که به این صنایع داده می‌شود بسیار زیاد است. چگونه ممکن است تولید این محصولات با این میزان عظیم یارانه افتخار باشد اما تولید محصولات کشاورزی افتخار نباشد؟ نخست باید یارانه انرژی از هرگونه تولید چه در بخش صنعت چه کشاورزی حذف شود بعد بنشینیم و بحث کنیم که تولید چه کالایی افتخار است و اقتصادی است و تولید کدام نه.

”

مشکل آب در کشور ما جدی است. آیا به نظر شما ما باید این منابع محدود آب را صرف کشاورزی کنیم؟

ما در شرایط بحرانی آب قرار داریم. این سخن درست است؛ اما مسئله این است که در این شرایط بحرانی باید دید تولید چه کالایی - اعم از صنعتی و کشاورزی - آب کمتری می‌برد و ارزآوری بیشتری برای کشور دارد. ما می‌توانیم محصولی را که آب کمتری می‌خواهد تولید و صادر کنیم و در مقابل آن محصولی را که ارزآوری کمی دارد و آب بیشتری می‌خواهد وارد کنیم؛ اما چون قیمت واقعی تولید در کشور ما مشخص نیست، کلی‌گویی می‌کنیم و می‌گوییم باید کشاورزی را متوقف کرد. اگر بحران آب داریم - که داریم - چرا تنها خواستار توقف کشاورزی هستیم.

مقامات تمرکز خود را بر تولید فولاد در کشور گذاشته‌اند و هدف این است که به تولید ۵۵ میلیون تن تولید فولاد به روش احیای مستقیم در سال برسیم. صنعت فولاد آب‌برترین صنعت و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی است. این صنعت با یارانه عظیم انرژی سرپا مانده. براساس محاسبات هزینه انرژی سه فرآیند اصلی گندله‌سازی، احیای

مستقیم و کوره قوس الکتریکی برای هر تن فولاد به ارزش ۲۸۹ دلار، بیش از ۱۱۸ دلار بوده است. قیمت صادراتی این محصول در حدود کمتر از ۲۰ درصد قیمت تمام‌شده آن است. صنعت ما در همه این سال‌ها کل انرژی کشور را با کمترین قیمت بلعیده و حالا می‌خواهد منابع آبی را هم بلعده. عده‌ای می‌خواهند منابع آبی را به سمت صنعت ببرند اما نه از طریق بازار آزاد.

راهکار پیشنهادی شما چیست؟ آزادسازی قیمت آب و انرژی؟

در کنار آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی تا زمانی که بازارهای محلی آب در هر حوضه آبریز ایجاد نشود نمی‌توان به هیچ اجماعی درباره چگونگی مصرف آب

چرا بر مسئله تولید گندم تا این حد تأکید می‌شود؟ آیا دغدغه، تأمین امنیت غذایی است یا مقابله با تحریم احتمالی مواد غذایی؟

مسئله این است که این تصمیم‌سازی در کشور ما بدون هیچ مطالعه، بررسی و محاسبه انجام می‌شود. برای نمونه در اسفندماه گذشته، رئیس شرکت آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد اعلام کرد حکم قطع برق هندوانه‌کاران را اخذ کرده است، درحالی‌که کشاورزان هندوانه‌کار ما بالاترین بهره‌وری را در بخش کشاورزی دارند و با مصرف یک مترمکعب آب چهار کیلو هندوانه در جنوب کرمان برداشت می‌شود، اما گندم‌کاران ما با مصرف یک مترمکعب آب تنها ۶۰۰ گرم گندم برداشت دارند.

آیا شما معتقدید راه اصلاح مسیر کشاورزی در ایران از تغییر الگوی کشت و تمرکز بر کشت محصولات کمترآب‌بر و بیشتر ارزآور می‌گذرد؟

من دو راهکار دارم. اول اینکه ما تولید محصولاتی را که نیاز به آب زیاد دارند و ارزآوری کمی دارند متوقف کنیم. در این حالت تراز آبی کشور مثبت می‌شود. الان وزارت نیرو برداشت از ذخایر زیرزمینی کشور را ۴۴ میلیارد مترمکعب تخمین می‌زند. درحالی‌که میزان منابع آبی تجدیدپذیر ما تنها حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب است؛

یعنی ما دو برابر بیشتر از میزان منابع آبی تجدیدپذیر آب برداشت کرده‌ایم. چنین سیاست آبی کاملاً اشتباه است. من حاضریم در هر جایی از این گفته دفاع کنم. بسیاری موضوع خودکفایی گندم را مطرح می‌کنند. چرا ما باید این همه منابع آبی خود را برای کاشت گندم هدر بدهیم؟ چون نگرانیم که مبادا روزی تحریم غذایی بشویم. دو نکته را باید در قبال این نگرانی عنوان کنم. اول اینکه طبق معاهدات بین‌المللی تحریم‌ها تاکنون شامل تحریم غذایی نبوده است و ما در بدترین سال‌های تحریم، گندم مورد نیازمان را از آلمان و آمریکا تهیه کرده‌ایم. تنوع صادرکنندگان بین‌المللی گندم نشان می‌دهد تحریم غلات علیه ایران، اگر عملاً غیرممکن نباشد برای به اجرا درآمدن بسیار

«ما در شرایط بحرانی آب قرار داریم. این سخن درست است؛ اما مسئله این است که در این شرایط بحرانی باید دید تولید چه کالایی - اعم از صنعتی و کشاورزی - آب کمتری می‌برد و ارزآوری بیشتری برای کشور دارد.»

“

رسید. برای نمونه، در حوضه دریاچه نمک حوض سلطان قم که شامل تهران بزرگ نیز می‌شود قطعاً بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب شرب صنعت است و نه کشاورزی. ولی در حوضه کویر درنجیر که کرمان و رفسنجان در این حوضه قرار دارند هنوز مصرف کشاورزی قریب ۸۰ درصد از مصرف آب را به خود اختصاص داده است. بازار رقابتی بهترین تخصیص‌دهنده منابع آبی کشور در هر حوضه آبریز است، هرگاه این دو شرط حاصل شود می‌توان گفت که مدیریت آب کشور از دام تخصیص بر اساس منافع شخصی یا گروهی آزاد شده است.



دشوار خواهد بود. از طرفی اگر بفرض محال ما تحریم شدیم یا نگرانی از بابت تأمین گندم داشتیم، چنانچه به جای خودکفایی در غلات منابع آبی خود را برای روز مبادا حفظ کرده باشیم، با توجه به سه برابر بودن اراضی قابل کشت در ایران نسبت به اراضی زیر کشت، در صورت ضرورت در یک سال می‌توان کل گندم مورد نیاز را در داخل تأمین کرد. ما الان می‌توانیم تولید این محصول آب‌بر و فاقد توجیه اقتصادی را متوقف کنیم؛ اما به جای آن منابع آبی مان را ذخیره کنیم؛ اما با ادامه رویه فعلی دیگر امکان چنین کاری نداریم. چون ما در همه این سال‌ها هرچه منابع آبی داشته‌ایم صرف کاشت گندم کرده‌ایم و به زودی آبی باقی نمی‌ماند که بخواهیم در تولید محصولات کشاورزی خودکفا بمانیم. داستان خودکفایی داستانی ساختگی است.

”

راهکار دومی که برای اصلاح کشاورزی وجود دارد چیست؟

راهکار دوم بسیار ساده است. قیمت حامل‌های انرژی و آب را آزاد کنید و بعد اجازه دهیم مکانیسم بازار عمل کند که تولید چه محصولی صرفه اقتصادی دارد. آن زمان هزینه تولید و صادرات مشخص می‌کند که آیا ما باید در این کشور فولاد تولید کنیم یا هندوانه؟ ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که هزینه تمام شده فولاد یا هندوانه چقدر است و کدام صرفه اقتصادی بیشتری برای تولید دارد. البته من حدس می‌زنم صرفه تولید و صادرات هندوانه بیشتر است. ما روزانه هشت میلیون بشکه در روز گاز و نفت از زمین برداشت می‌کنیم. الان قیمت نفت حدود ۵۵ دلار است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد درآمد سالانه ما از محل فروش انرژی ۱۶۰ میلیارد دلار است. با احتساب برداشت ۴۴ میلیارد مترمکعب آب با هزینه جایگزینی هر مترمکعب آب سه دلار، برداشت ما معادل ۱۳۲ میلیارد دلار خواهد بود. الان این صنایع هستند که بیشترین تغذیه را از این رانت حدود ۲۹۰ میلیارد دلاری یارانه می‌کنند! و بعد می‌گویند صنعت سودده است اما کشاورزی صرفه ندارد! اصلاح کشاورزی در ایران راهی جز این دو مورد که گفتم ندارد. در نبود قیمت‌های واقعی هر فردی می‌تواند بگوید اقدام من خوب است. همان دوستانی که می‌گویند کشاورزی باید تعطیل شود نمی‌دانند چه کالای کشاورزی صرفه اقتصادی دارد. هیچ‌کدام نمی‌دانند کاشت زعفران یا گل محمدی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد یا صدها کشت دیگر. چرا نگران آزادسازی قیمت‌ها هستیم. بگذاریم این اتفاق رخ دهد و بعد بازار تصمیم بگیرد که چه کالایی توجیه اقتصادی دارد. در شرایط بحرانی آب چرا فقط باید دغدغه ما تعطیلی کشاورزی باشد شاید کشاورزی آب کمتری بخواهد و سود بیشتری عاید ما کند تا تولید فولاد و سیمان و فلان کالای صنعتی.

«در شرایط بحرانی آب چرا فقط باید دغدغه ما تعطیلی کشاورزی باشد شاید کشاورزی آب کمتری بخواهد و سود بیشتری عاید ما کند تا تولید فولاد و سیمان و فلان کالای صنعتی.»

66